

این مقاله بخشی از مجموعه‌ای است به نام **دولت‌های ایران** که در آن به بررسی تاریخ و فرهنگ ایران باستان و ایران امروزی می‌پردازد.

حسین سسخندان: چهار سال فرصت پیش‌روی حسن روحانی قرار دارد تا بعد از آرای قابل توجه و بالای مردم به نامزد اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان، دومین دولت خود را روی تجربه‌های دوره اول و البته آرای عمومی مردم استوار کند.
بالبین حال مسئله سیاست خارجی و به‌ویژه سیاست‌های منطقه‌ای، همچنان مقابل‌ دولت قرار دارد. منطقه خاورمیانه به یک دنیای کوچک تبدیل شده که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن به بارگیری روزانه و مصاف با یکدیگر مشغول هستند. فریدون مجلسی، تحلیلگر روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق»، به تحلیل فضای مقابل روحانی در حوزه دیپلماسی پرداخته است.

۴ پس از انتخاب دوباره حسن روحانی به ریاست‌جمهوری با آرای بالا و البته مشارکت بالای مردم در انتخابات، حوادث زیادی در داخل و خارج از ایران به وقوع پیوست که هر کدام می‌توانست بحران‌ساز باشد. حضور دوباره روحانی در جایگاه رئیس‌جمهور، تا چه حد فضای جهانی را به سود ایران تغییر داده است؟

فکر می‌کنم طولانی‌شدن شرایط التهابی پس از انقلاب که در دوران هشت‌ساله شعارزده احمدی‌نژاد رنگ کاذب تهدیدآمیز پیدا کرد و منجر به صدور قطع‌نامه‌های تحریم‌آفرین شورای امنیت شد، فضای جهانی نامناسب و نوعی انزوای خودخواسته در دولت وقت ایجاد کرد که به دلیل ناتوانی برای حضور در بازار جهانی و بسته‌شدن ارتباطات بانکی به استقلال بین‌المللی ایران لطمه زد و حتی کشورهای دوست برای نرنجاندن کشورهای غربی که مهار اقتصادی و بازرگانی بین‌المللی را در اختیار داشتند، از معامله و روابط جدی با ایران خودداری می‌کردند. آقای روحانی با کلیلی آمد که شرایط تحریم بین‌المللی را از میان بردارد و به دلیل مخالفت‌های داخلی و خارجی، دوسوم دور اول ریاست‌جمهوری ایشان صرف مذاکرات و اقدامات برای نیل به برجام شد که قدم مهمی در کشایش نسبی فضا و نیل به استقلال اقتصادی و بین‌المللی شد. اکنون ایشان وعده داده است که تحریم‌های دوجانبه تجاری و بانکی را نیز از میان برخواهد داشت. طرف اصلی این‌گونه تحریم‌ها آمریکااست که کشورهای دیگر را برای نرنجاندن آمریکا با عدم تعلق جرائم آمریکایی، وادار به ملاحظه‌کاری می‌کند؛ ازاین‌رو انجام این کار بستگی به توانایی آقای روحانی در آغاز مذاکرات دوجانبه و حل‌وفصل مسائلی دارد که موجب تحریم‌های آمریکایی شده است. می‌دانیم که مشکل اصلی روابط با آمریکا، سیاست ایران نسبت به رژیم اسرائیل است. به نظر می‌رسد، تعهد آقای روحانی که حمایت سه‌پنجم آرای مردم را نیز جلب کرده است یبگیری راه‌حل نخست، یعنی مصالحه عقلانی و اخلاقی به جای مجادله و جنگ باشد.

۴ یعنی استقبال اروپا و سران کشورهای تأثیرگذار از انتخاب دوباره دکتر روحانی که تا تبریک خاورِ سُورانا و قدرنگارِ موگرینی هم کشیده شد، کشورهای دنیا را به تداوم سیاست تنش‌زدایی دولت روحانی امیدوار می‌کند؟

حضور مردم ایران پای صندوق‌های رای به دنیا ثابت کرد که مردم به تعهد سیاسی آقای روحانی اعتماد دارند و رئیس‌جمهور که قبلاً نیز در رسیدن به توافق برجام، امتحان توانمندی و حسن نیت خود را پس داده است، طبیعتاً با اعتبار بیشتری می‌تواند کشورهای جهان را با ادامه سیاست تنش‌زدایی امیدوار کند. اما همان‌طور که گفته شد توقیف در این کار منوط به تلقیف مصالحه‌ای میان اصول حقوقی و سیاسی ایران و اصول حقوق و روابط بین‌الملل و استناد به قطع‌نامه‌های شورای امنیت در مسئله اسرائیل و غرامات و خسارات فلسطینیان در قالب دولتی مستقل است.

۴ کشورهای نظیر ترکیه هم در تماس تلفنی با وجود همه اختلاف‌ها و مواضع، از انتخاب دوباره روحانی ایران خوشحالی کردند. این را باید یک عرف دیپلماتیک بدانیم برای آنان این روند تفاوت می‌کند؟

ایران و ترکیه در تاریخ به اندازه کافی با یکدیگر جنگیده‌اند. قراردادهای مرزی ایران و ترکیه به عهد صفوی بازمی‌گردد که با وجود جنگ‌های دیگر و خصوصاً دو جنگ جهانی، آن مرزها با قدمتی بیش از ۳۰۰ سال با اصلاحاتی جزئی ثابت مانده است. طرفین می‌دانند که با توجه به نزدیک‌ترین راه‌های ارتباطی، می‌توانند از مزیت نسبی قابل‌توجهی در توسعه روابط بازرگانی برخوردار باشند. با توجه به اینکه رقیب آقای روحانی بر اصولگرایی مذهبی شدیدتری تکیه داشت و با توجه به اینکه دولت کنونی ترکیه به اندازه کافی نظر خود مذهبی خود استوار است، روی‌کارآمدن دولتی که اصولگرا را نیز می‌توانست به دوقطبی‌شدن و تشنج در روابط ایران و ترکیه منجر شود. به این دلیل و به دلیل رو به کاهش نهادن بحران‌های داعشی در عراق و سوریه، اکنون زمان همکاری تجاری بیشتر میان این چهار کشور مهم منطقه فراسیده است که به سود صلح و منافع اقتصادی همه آنها خواهد بود. به این دلیل واکنش و تبریک آنان را می‌توان صمیمانه و فراتر از تعارفات و عرف دیپلماتیک دانست.

۴ برای کشوری مثل ترکیه، ایران ضعیف شده با ایرانی مانند ایران دوران احمدی‌نژاد، بهتر نیست؟

نه؛ برای ترکیه مانند هر همسایه دیگری ایرانی قوی و اعتدالی و ثروتمند مهم‌تر است که طرفین وبال گردن یکدیگر نباشند و بتوانند با توسعه روابط بازرگانی و اقتصادی و گردشگری اقتصادهای یکدیگر را تقویت کنند. ترکیه مضرات همسایه ضعیف‌شده را در عراق و سوریه و جنگ داخلی آنان و امواج آوارگان که اقتصاد ترکیه را نیز به رکود کشاند، آزموده و از کاهش گردشگران ایرانی و روس زیان دیده و بازارهای ثروتمند و مهم و اختصاصی عراق و سوریه را از دست داده است. البته در شرایط ضعیف مانند دوران احمدی‌نژاد نیز می‌توان در حد بهره‌گیری از راه‌های انحرافی حواله بانکی و حتی پول‌شویی و قاچاق سودجویی کرد؛ اما بهره‌مندی متقابل از ثبات و بازارهای ثروتمند و با رفیق به همسایه قابل مقایسه با شرایط اضطراری و نیمه قانونی بحران‌زدگی نیست.

۴ بخشی از اعراب به سرکردگی عربستان، واکنش خاصی دراین‌باره نداشتند و از قضا به دنبال تندترکردن فضا علیه ایران هستند. اتفاق زیربستی اخیر هم انگشت اتهام را بار دیگر به سمت عربستان برد. با آنها چه باید کرد؟

عربستان اولاً به دلیل تحریم ایران در دولت احمدی‌نژاد و موقعیت انحصاری در بازار نفت، جای ایران را گرفته و بسیار منتفع بود. از طرف دیگر حکومت سعودی، ایران را مانع توسعه‌طلبی خود در منطقه می‌داند. عراق در دوران حکومت اقلیت صدام حسین در عراق که متکی بر سلطه‌گری ۲۰ درصد اعراب سنی عراقی و اغلب قبیایلی بود، روابط ویژه‌ای با عربستان سعودی داشت و در جنگ با ایران از کمک‌های سخاوتمندانه آنان برخوردار بود. عربستان بعد از آنکه نفوذ اکثریت شیعه و اقلیت کرد عراق افزایش یافت، درصدد برآمد با جنگی کودتاگونه با همکاری بازماندگان ارتش بعثی زیر پوشش داعش، موصل و بغداد را بگیرد و دولتی دست‌نشانده روی کار آورد که شکست خورد. عربستان درصدد انتقام‌جویی در جنگی سریع و چندروزه در یم برآم‌د که با گذشت نزدیک دوسال‌ونیم عملاً درگیر جنگی فرسایشی شده است. واکنش‌نشان‌دادن کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس به ملاحظه باره مزید تا آقا بالاسری مانند عربستان بوده است؛ وگرنه سایر کشورهای مانند عمان و کویت و قطر و حتی امارات، خصوصاً امارت

فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «شرق»

ارتباط اعراب با ایران، سروری عربستان را به چالش می‌کشد



عکس: امیر جرجی‌ری شرق

دوبی، هرکدام منافع و روابطی تاریخی و جمعیتی ایرانی‌تبار و علاقه‌مند به ایران دارند که می‌توانند ابزار روابط تجاری سودمندی برای دولت‌های خود باشند.
دوبی بیش از دیگران در ۴۰ سال اخیر از رابطه با ایران منتفع بوده است و مانند قطر و دیگران مایل به سروری عربستان نیست.
اصلاح و تعدیل روابط ایران با آنان به سود آنان و ایران خواهد بود. میان آنها و عربستان اختلافات عمیق‌تر از آن است که با این‌گونه اتحادهای سست تسلیم شوند. این کشورها در مقابل درگیری خشونت‌آمیز بسیار آسیب‌پذیر هستند و منافع همگی در اصلاح روابط است.

۴ کشورهای نظیر قطر، کویت و عمان و حتی مصر تا چه حد می‌توانند با یک سیاست معقول از طرف ایران، مانع شکل‌گیری ناتوی عربی علیه ایران شوند؟

ناتوی عربی در واقع به معنی اسارت ارتش‌های این کشورها نیز هست. وضعیت اجتماعی عربستان با وجود ثروت به دلیل حکومتی خانودگی در قرن بیست‌ویکم متزلزل است. قطر و کویت و عمان و حتی امارات به قدری ثروتمند و رو به توسعه هستند که مایل نخواهند بود رفاه و آسایش و ثبات خود را قربانی سلطه‌جویی عربستان کنند و این‌ را در تنش اخیر میان قطر و عربستان، بعینه می‌بینیم. غیر از قطر، سایر کشورهای عربی هم می‌دانند که هیچ خطری از سوی ایران، آنان را تهدید نمی‌کند. ناتوی اصلی از سوی جهان غرب در برابر توسعه‌طلبی تهاجمی شوروی شکل گرفت. به‌راستی کدام توسعه‌طلبی تهاجمی همسایگان عرب ما را تهدید می‌کند که بخواهند در برابر آن موضع بگیرند؟ اما مصر بزرگ‌ترین و از لحاظ اجتماعی توسعه‌یافته‌ترین کشور عربی است و به‌هیچ‌وجه مایل نیست تحت سلطه یک کشور تازه به‌دوران رسیده عربی با سطح فرهنگی نازل قرار گیرد. روابط مصر و ایران با ریشه‌های عمیق فرهنگی می‌تواند برای هر دو کشور بسیار سودمند و در تأثیرگذاری بر بقیه کشورهای منطقه سازنده باشد. رعایت منافع ملی مستلزم تجدیدنظر در رفتارهایی است که لزوماً نیازی به انجام آنها نیست.

۴ پرونده سوریه و عراق به سمت پایان حرکت می‌کند و به نظر می‌رسد صرف‌نظر از عراق که دارای حمایت بین‌المللی است، سه‌گانه ایران، روسیه و ترکیه هم در شکل‌گیری مناطق آن موفق بوده‌اند. با این روند می‌توان به بهبود شرایط منطقه‌ای ایران هم امیدوار بود؟
بهبود شرایط ایران در منطقه بستگی به این دارد که ایران بتواند در سوریه میان معارضان مخالف اسد، اعتمادسازی کند. همچنین با همکاری همه طرف‌ها ازجمله کردها برقرار و تضمین کنند که همسایگان هیچ‌گونه خطر فلسطیانه و سلطه‌طلبانه ندارند و گروه‌های افراطی‌نفع‌کنونی از نوعی خودمختاری غیر مسلح در حوزه‌های اختصاصی خود برخوردار باشند. تا حدی مانند شرایط لبنان. دراین‌باره شاید تفاهمی درباره استرداد بلندی‌های جولان غیر مسلح کارساز باشد.



عمان و کویت و قطر و حتی امارات، خصوصاً امارت دوبی، هرکدام منافع و روابطی تاریخی و جمعیتی ایرانی‌تبار و علاقه‌مند به ایران دارند که می‌توانند ابزار روابط تجاری سودمندی برای دولت‌های خود باشند. دوبی بیش از دیگران در ۴۰ سال اخیر از رابطه با ایران منتفع بوده است و مانند قطر و دیگران مایل به سروری عربستان نیست. اصلاح و تعدیل روابط ایران با آنان به سود آنان و ایران خواهد بود.



۴ کشوری مانند روسیه، از انتخاب دوباره روحانی باید شادمان باشد؟
آری، روسیه هم باید شادمان باشد؛ زیرا روسیه قدرتی در حال برخاستن است و قدرت در سایه صنعت و اقتصاد حاصل می‌شود. شاهراه دریای خزر ابزاری می‌باشد است که ارزان‌ترین راه ارتباطی و تجاری میان ایران تا قلب روسیه را در دسترس می‌گذارد که برخلاف قرون گذشته به اهمیت آن برای تجارت میان پنج کشور ثروتمند این حوزه واقف نیستند. استقرار دولتی اعتدالی و صلح‌طلب و فاقد تمایلات ماجراجویانه در ایران که دولت روحانی واجد چنین شرایطی است، می‌تواند بهره‌مندی سودآور و بهینه از این راه ارتباطی ارزان یعنی دریای خزر را تضمین کند.

۴ به‌عنوان یک تحلیلگر به دولت روحانی پیشنهاد می‌دهید بیشتر در چه‌سال دوم روی چه حوزه‌هایی برنامه‌ریزی کند؟

به‌عنوان تحلیلگری سیاسی معتقدم که رفع مشکل سیاسی می‌تواند مانع اصلی توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ایران را بردارد و حتی موجب شود فشار جدی و بیشتری بر عوامل بی‌عدالتی وارد آید. ازاین‌رو رعایت اصول حقوق بین‌الملل، خصوصاً احترام به موجودیت همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و متقابلاً از جانب آنها، جبران خسارات ناشی از رفتارها، غصب‌ها و کشتارها، خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل و شناسایی حق ملت فلسطین به داشتن کشوری مستقل و ممنوعیت ساخت‌وساز در اراضی اشغالی آنان به‌عنوان درجه اول اهمیت برای ایران قابل پیگیری است و در این صورت ایران می‌تواند با استقلال کامل در عرصه بین‌المللی خواهان احترام به حقوق خود و دیگران شود و درهای توسعه به رویش گشوده خواهد شد. گذشته از این موضوع اصلی، ادامه توسعه بهداشتی که بسیار موفق بوده است، توسعه علمی و کمک به دانشگاه‌ها، بهره‌برداری از خطوط ریلی که هنوز وضعی بسیار ابتدایی دارد، ایجاد خطوط ریلی در باراندازها و حمل‌های طولانی با ریل و حمل‌های مقصد از سوی

سیاسی

ادامه از صفحه ۹

مرزها برایم کم‌رنگ شده‌اند

۴ در تمام مجموعه عکس‌هایی که از جنگ کار کردید، از جنگ عراق تا سوریه، آنچه خودش را به رخ بیننده می‌کشد لحظه‌ای انسانی در یک واقعه ضدانسانی است. چطور این لحظات ثبت شدند؟

در لحظه جنگ فرقی نمی‌کند متعلق به کدام جغرافیا باشی، در منطقه‌ای بین دو دنیا، در یک برزخ به سر می‌بری و جایی که باید باشی نیستی. همیشه چشم من در این برزخ بین زندگی و مرگ، به جست‌وجوی زندگی رفته و اگر نگاه کنبد از عکس‌های جنگ عراق که متعلق به ۱۶ سال پیش است تا عکس‌های مجموعه آخرم که متعلق به کمپ پاننده‌های سوماتلی و سودانی در کنیاست، دقیقاً جست‌وجوی حیات به جای مرگ را در برزی که آن آن‌ها در آن به سر می‌برده‌اند کندوکاو کرده‌ام. دغدغه اصلی من ثبت همین لحظات پر از زندگی در جوار برزخ نزدیک به مرگ است.

۴ در ثبت این لحظات، چطور به فرم شخصی خودتان رسیده‌اید؟
اتفاقاً فرم همیشه خیلی دغدغه من بوده. جدا از اینکه انتقال حس یک لحظه در یک عکس برایم بسیار اهمیت داشته، همیشه سعی داشتم تجربه‌هایی در جهت ایجاد فرمی تازه داشته باشم و خودم را در فرم‌های تازه محک بزنم. دو پروژه‌ای انتخابات ایران نشان از دورشدن تدریجی عناصر قدیمی متکی به نیروهای عامی‌گراست. به‌این‌ترتیب احتمالاً در آینده رقابت میان دو گروه جدید راست و چپ، مدلی مانند لیبرال و سوسیال‌دموکرات در کشورهای دیگر در رقابت اصلی حضور خواهند داشت که هر یک باید یکوشد با اجرای برنامه‌هایش موفقیت دور بعدی را در نظر بگیرد و حضور رقیب را نیز با توجه به وزنش رعایت کند.

۴ به نظر شما حل مشکل رژیم حقوقی دریای خزر، بهبود رابطه با اعراب و البته اروپا، می‌تواند هم‌زمان با هم دنبال شود و چه رویکردهایی می‌خواهد؟

بدون تمایل به شعارهای زیاده‌طلبانه ناسیونالیستی از آغاز معتقد بودم که حقوق ایران در دریای خزر که در سال ۱۹۲۱ از میزان «هیچ» در قرارداد ترکمن‌چای به حق قایقرانی ساحلی افزایش یافت و سپس در سال ۱۹۴۱ با اختصاص ۱۰ میل آب ساحلی برای استفاده اختصاصی و ماهیگیری تابع شرایطی مانند سایر دریاهای بین‌المللی شد، تابع تحولات آن قوانین است. به نظر صریح اینجانب، ذکر حقوق مساوی کشتی‌رانی در قراردادی تابع این امر فقط ناظر بر کشتی‌رانی است و تقسیم ۵۰-۵۰ درصدی بیش نیست. اگر کسانی نمی‌خواهند مورد شماتت ایرانیان وطن‌پرست قرار گیرند و به خوشنامی تاریخی آنان لطمه نخورد، می‌توانند این مرزبندی را به داوری بین‌المللی در لاهه یا دادگاه لاهه واگذار کنند که نتیجه آن نیز معلوم است. زبان ایران از طولانی‌کردن بی‌نتیجه مذاکرات که ۴۰ سال ادامه داشته، جز زبان تجاری و حمل‌ونقل و بهره‌برداری و زیست‌محیطی هیچ فایده‌ای نخواهد داشت! این مطلب را در نخستین سال انتشار روزنامه همشهری و در جاهای دیگر نیز نوشتم. روابط با کشورهای حوزه دریای خزر، حوزه خلیج‌فارس و اروپا برای ایران اولویت دارد و منوط به موفقیت برنامه اصلی دولت در تشنج‌زدایی ایرانی است.

۴ شما از جمله چهره‌هایی بودید که از انتخاب نخست‌وزیر جدید کانادا و البته پارلمان جدید این کشور استقبال کردید. اما ارتباط ایران با آنها همچنان قطع است. به نظر شما بهبود رابطه با کانادا نمی‌تواند علاوه بر بهبود وضعیت ایرانیان، برگ برنده دیگری برای روحانی باشد؟

بله روابط ایران و کانادا بسیار مهم است. چیزی نزدیک به دو درصد جمعیت کانادا ایرانی‌تبار هستند. آنان در شمار موفق‌ترین شهروندان آن کشور هستند. دلیل آن برخورداری تقریباً عمومی ایرانی‌تباران از آموزش عالی است. اینان تدریجاً دارند به توسعه نفوذ و تأثیرگذاری در جامعه کانادا دست می‌یابند. میان ایران و دولت کنونی کانادا مسئله ایدئولوژیک مهمی وجود ندارد. چون داستان خانم کاظمی مسئله است، به‌هرحال این اتفاق رخ داده و ایشان نیز تابعیت دوگانه داشته است. منافع ملی و رابطه با کشوری مهم که فقط برقراری رابطه هوایی با آن کشور سالانه میلیون‌ها دلار سود به‌همراه خواهد داشت در درجه اول اهمیت است. جامعه ایرانی‌تبار مرفه کانادا نیز تضمینی بر توسعه روابط تجاری با آن کشور خواهد بود.

۴ این ارتباطات می‌تواند به بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تسهیل ارتباطات بین‌بانکی و ورود گردشگر خارجی منجر شود؟ یعنی در شرایطی که ما نیاز به پول و خلق فرصت‌های شغلی جدید داریم، چقدر تداوم بهبود دیپلماسی به بهترشدن شرایط اقتصاد و معیشت مردم کمک می‌کند؟

توقیف در همه زمینه‌های فوق منوط به تداوم بهبود روابط دیپلماتیک و بهره‌مندی از استقلال بیشتر در توانایی مذاکره با همه کشورها برای تأمین حداکثر منافع ملی و دستیابی به جایگاهی در حد و شان کشور ایران است که باید در شمار ۲۰ یا حتی ۱۵ کشور بزرگ و مرفه جهان باشد. فقط در چارچوب احترام به حقوق و روابط بین‌الملل و احترام به قطع‌نامه‌های شورای امنیت است که می‌توانیم با تشنج‌زدایی و استقلال هرچه‌بیشتر به این خواسته‌ها از جمله ورود سرمایه‌های خارجی و توسعه صنعتی و اشتغال و گردشگری در سرزمینی که از بالاترین جذابیت‌ها برخوردار است دست یابیم. تئورید آب در امتداد دوهزارکیلومتری خلیج‌فارس و دریای عمان با بهره‌مندی تلفیقی از انرژی پاک خورشیدی و تبخیر آب شور و تقطیر و کشت علمی گلخانه‌ای در دهه‌ها هزار هکتار زمین‌های تا عمق حدود صدکیلومتری ساحل بسیار اثرگذار است. تولید برق در پنل‌های نصب‌شده، کنترل گرمای گلخانه‌ها و تولید تلفیقی برق بادی و خورشیدی در هامون و کشت بزرگ گلخانه‌ای صمون از تبخیر در حوزه هیرمند در سیستان، سیرکردن دشت خوزستان به شیوه‌های علمی با تصفیه و تولید آب و آبیاری علمی و توسعه آن برنامه با همکاری عراق به‌منظور دفاع در برابر ریزگردها، همه امکان‌پذیر و شدنی است و فقط در گرو صلح و اعتدال و آرامش، نه‌فقط برای ما بلکه برای همسایگان است. در آن شرایط ما برای اشتغال به نیروی کار کشورهای همسایه با حقوق و شرایط انسانی برابر نیاز خواهیم داشت. توقیف دولت روحانی در انجام وعده رفع تحریم‌های دوجانبه می‌تواند این تصویر را واقعیت بخشد.

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه از صفحه ۹

هزار شب و یک شب نبوشا توکلیان

این خنثی‌سازی را عکسی در قطع بزرگ و بر دیوار به وجود می‌آورد. با حساسیت و دقت به نور، با تاریکی و خاموشی در موقعیت ژرف‌ترین سکوت شرایطی مهیا شده تا در سایه روشن، با نوعی نیمه تاریکی الهیاتی حالتی معنوی به دست دهد. نور نرم محاط‌کننده و رنج پدیدارشده در صورت کاراکتر درون عکس، فضایی موسیقایی به وجود می‌آورد. مانند «مس» در «لامینور» اثر باخ که در لحظه تجسد مسیح به اوج خود می‌رسد و این لحظه را «سکوت در قبال خداوند» دانسته‌اند. عکاس تلاش دارد بدون قضاوت و تنها با عنصر «مشاهده» مفهومی از رنج بر انسان رفته را تجسم بخشد.

در ابتدای شروع نمایش و در زیرزمین نقشه‌ای می‌بینیم که در آن مسیر جنگ خاورمیانه را کلاژهایی کوچک از عکس پر کرده. تعداد عکس‌های کوچک در یک قاب بزرگ، تراکم و انباشتنکی سوزنه، که اصل عکاسی خبری است را تداعی می‌کند.

صدایی به صورت مداوم در حال خواندن یک متن به گوش می‌رسد. این در واقع صدای عکاس است که بازتاب صدای زنی شورشی است که می‌خواهد آواز سر دهد اما نمی‌تواند. (عنوان

نمایشگاه «می‌دانم چرا شورشی آواز سر می‌دهد» فرانکسی از همین

صداست.)

صدایی که فضای کم زیرزمین را تبدیل به یک بن‌بست می‌کند. در بن‌بست گیر افتاده‌ایم، ترس از تجاوز و توهم اسارتی موهوم با جملاتی که از بلندگو پخش می‌شود: «هزار کلمه برای عکسی که هرگز نگرفتیم» و از بی این عنوان، نبوشا توکلیان داستان دختری ۱۴ساله که به وسیله داعش و در عراق ربوده و به او تجاوز شده را شرح می‌دهد.

او تلاش دارد در این گزارش لحنی قصه‌ای بگیرد. سایه مهیب مردی دشداشه‌پوش که چراغی به دست دارد بر دیوار در عکس، توهمی از تجاوزکننده دارد. صدای عکاس ما را در لایبرنت‌هایی هزارویک‌شیب اسیر می‌کند. او در موقعیت قصه‌گو، خود را به شهزاد کتاب هزارویک شب هم‌ذات‌پندارانه نشان می‌دهد.

جای تعجب است و جالب اینکه در فرهنگ‌نامه‌ها اصل قصه‌های کتاب هزارویک شب را از هند، ایران، سوریه و عراق دانسته‌اند؛ تقریباً همان مسیری که عکاس دوربین‌بدش‌وش روی نقشه طی کرده است! نام دیگر کتاب هزارویک شب مشتق از کتاب هزارافسان است و اینجا نشانه‌هایی دیگر از حرکت قصه‌گویی عکاس پدیدار می‌شود با تکرار عنوانی که می‌گوید: هزار کلمه برای عکسی که هرگز نگرفتیم! در کتاب هزارویک شب، پادشاهی به نام شهرباز از همسر خود خیانت دیده و تاجر اختیار کرده و هر شب باکره‌ای را به ازدواج در می‌آورد و باامدادان او را می‌کشد؛ هزاران باکره کشته می‌شود تا اینکه شهزاد با دسیسه حکایت‌های شبانه و نقلی قصه‌ای هزارشبه برای پادشاه‌شاهزاد دختران را به تعویق می‌اندازد. آنچنان که در شب هزارویکم پادشاه به سلامت روح و روان باز می‌گردد و دست از خون‌ریزی می‌کشد.

آیا این تنها یک شبشبه‌پنداری است یا عکاس به قضیه اشراف داشته است؟ تمام تلاش ۱۰ساله توکلیان درباره تجاوز به دختران در جنگ‌ها و همراهی او با درد این کسان در این نوع هم‌ذات‌پنداری دیده می‌شود: من به‌عنوان عکاس و در موقعیت شهزاد، آن‌قدر قصه می‌گویم تا تجاوز به شما و کشتن شما را به تعویق بگذارم. قصه شهزاد را عکاس در زیرزمین گفته و دیگر در طبقات بالای نمایشگاه نقل به مضمون نمی‌کند اما گویی یک حکایت از دل صدها سال همچنان باقی مانده است: او را ما مجموعه‌ای از انسان‌های طبقه رشد‌نیافته آشنا می‌کند. آن که می‌کشد و آن که کشته می‌شود.

آن که تجاوز می‌کند و آن که تجاوز دیده است.

کشورهای طی‌شده به وسیله توکلیان برای عکاسی دستخوش حکومت‌های الیگارشی (حکومتی منطح که در آن گروه معدودی که قدرت را در دست دارند فاسد شده‌اند) هستند. گاه در میان تصاویر غالب، تک‌فریم‌هایی می‌بینیم که ما را از شرایط حاد این مصائب رها می‌کند. تک‌فریم «مادر و کودک» در یک اتمسفر ماندالایی (به سنسکریت یعنی دایره سحرآمیز) شکوه هیبت‌انگیز زنان نظامی‌پوش زیرزمین را تبدیل به هاله‌ای سحرانگیز می‌کند.

تکریب نور و نوع قرارگیری در وسط کادر ما را به یاد تابلو «ملکه ملوکوت و مادر» در الهیات مسیحی می‌اندازد. تیرگی‌پردازهای گاه یادآور رنگ‌مایه تیره نقاشی‌های قرن هفدهم هستند. در این نوع تک‌فریم‌ها، عکاس ما را به آتشار مرجع در تاریخ هنر ارجاع می‌دهد.

عده‌ای آواره جنگ‌زده در هوایی بهاری در کنار کمپ و روی تپه، یادآور تابلو «گردهمایی خانوادگی» اثر بازلز است؛ زنی با روسری قرمز در مقابل شاه‌های درختی بی‌حاصل، فرم تابلو «باغ سبزبخت با درختان شکوفا» اثر کامی پیسارو را به یاد می‌آورد.

او مانند نقاشان امپرسیونیسم شیفته رنگ‌بندی‌های گرم (قرمز، زرد یا نارنجی) جهت القای مکنونات درونی آدم‌های عکس‌های خود است. از همین‌جاست که دوربین (وسيله‌ای که ایجاد واقع‌گرایی محض می‌کند) در کار او خالصیتی هم‌گرا می‌یابد.

با اینکه توکلیان استاد سرپوش‌گذاریش روی احساساتش است، دائماً ما در موقعیت یک لیبرالیست (آزادی‌خواه) رصد می‌کند. از همان ابتدا با متنی که در زیرزمین با صدای او پخش می‌شد، آرای جان لاک و متفکرانی که در سنت اندیشه لیبرال جای می‌گیرند، تداعی می‌شد. در اکثر عکس‌ها، شبیفتگی او به فلسفه لیبرالیسم با تأکید بر اصل مالکیت بر تن خود آشکارا به ما یورش می‌آورد. جان لاک می‌نویسد که «هر فرد حق دفاع از خود و نیز حق طرح ادعای خسارت در مقابل آسیبی که از خطای دیگری بر وی وارد شده، دارد». با اشراف به این حقیقت به صدای او که باز می‌گردیم متوجه می‌شویم مادر و دختر به این علت اجازه عکاسی نمی‌دهند که می‌پندارند تفاوتی در امر تجاوز نخواهد شد و حتی ستانده نمی‌شود. آیا دوربین، اسلحه ناکارآمدی است که حق تجاوزشده را از متجاوز نمی‌تواند بگیرد؟ تحلیل این پرسش در عکس‌های دیگر نمایشگاه ما را با یک عکس، یک مادر و یک کشتگر مدنی آشنا می‌کند. عکس‌هایی نیز لایه‌لای این مجموعه، جهت دلخوشی ما در مسیر جنگ چیده شده‌اند: تصویری تخت و سخت از یک دریاچه نمک، تصویر نماد دهه هشتاد‌های (برج میلاد) از پشت‌بام خانه‌ای از تهران...

با رویت بریده‌روزنامه‌ها بر آخرین دیوار، نمایشگاه‌گردان، خواسته و توانسته با رویت فضاهای تخت و صرفاً خبری، وقایع‌نگاری را به ما نشان دهد که دیگر به فکر نشان‌دادن وقایع نیست، بلکه این‌بار زنی است که قصه خودش را نقل می‌کند.

ولی محلوچی، ساده و شفاف، با این بریده‌های روزنامه ما را به زیرزمین باز می‌گرداند تا با شنیدن دوباره صدای نبوشا توکلیان در موقعیت شهزاد قصه‌گو، فراموش نکنیم مادامی که جنگ‌ها در راه‌اند، جهان به شهزاد قصه‌گوی بیشتری نیاز دارد.